

تحلیل سیستمی عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری دولت محلی با طراحی مدل

نرگس حجی پناه - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد

سیدهادی زرقانی^۱ - دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد (نویسنده مسئول)

امیدعلی خوارزمی - استادیار برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، مشهد

چکیده:

امروزه دولت محلی به واقعیتی انکارناپذیر در جهان تبدیل شده. در پژوهش‌های مختلف چهار بعد اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - مالی، جغرافیایی و سیاسی - قانونی به‌عنوان مهم‌ترین ابعاد دولت محلی یاد شده‌اند؛ و پژوهشگران به‌کارگیری تفکر سیستمی در دولت محلی را به‌عنوان کارآمدترین رویکرد اشاره کرده‌اند. تحلیل سیستمی رویکردی جامع و پویا برای بررسی پدیده‌های پیچیده است. با استفاده از این رویکرد، می‌توان روابط متقابل و پیچیده بین عناصر مختلف یک سیستم را شناسایی و تحلیل کرد. در حوزه دولت محلی، تحلیل سیستمی می‌تواند به درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر در شکل‌گیری و عملکرد دولت‌های محلی کمک کند. در این پژوهش عوامل کلیدی چهارگانه مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی با روش تفکر سیستمی مورد بررسی قرار گرفته؛ تا تأثیر هر یک از عوامل را بر شکل‌گیری دولت محلی و تأثیر و روابط علی و معلولی هر یک از این عوامل را نیز بر روی یکدیگر و بر روی کل سیستم در نظر بگیرد. در این راستا از نرم‌افزار ونسیم^۲ جهت مدل‌سازی و روابط علی و معلولی استفاده گردیده. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که چهار زیرسیستم یادشده، هیچ‌گاه نمی‌توانند به‌صورت مجزا از یکدیگر عمل کنند و پیوستگی آن‌ها موجب به وجود آوردن یک سیستم نهایی برای شکل‌گیری موفق دولت محلی خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: دولت محلی، تفکر سیستمی، مدل‌سازی، عوامل محیطی

^۱ -h-zarghani@um.ac.ir

^۲: Vensim

۱- بیان مسئله

با توجه به ناموفق بودن دولت متمرکز در اداره‌ی مطلوب امور عمومی و پیاده‌سازی دولت و حکومت محلی به‌عنوان واقعیتی انکارناپذیر و ضرورتی رو به گسترش در جهان بحث تشکیل دولت محلی و تمرکززدایی به‌عنوان راه‌حلی مناسب و یکی از موضوعات مهم مدیریت نوین عمومی در سطح گسترده‌ای مطرح شده است (Zarai & Rezaizadeh, ۲۰۱۱: ۲۸۱) بنابراین لازم است کشور ایران که با نظام بسیط و متمرکز نیز به این موضوع توجه نشان دهد زیرا نظام متمرکز و بسیط برای کشوری مثل ایران که دارای مؤلفه‌های مانند (وسعت زیاد، شکل هندسی، تنوع قومی - زبانی - مذهبی و...) هست مناسب نیست و مشکلات زیادی را به همراه داشته و دارد. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که برای تحقق توسعه پایدار و پیشرفت همه‌جانبه در اداره هر سطحی از فضا، تمرکززدایی، دموکراسی غیرمتمرکز و کوچک‌سازی ساختارهای حاکمیتی، ازسرگیری برنامه‌ریزی مردم پایه و محیط پایه و توجه به مقتضیات محلی الزامی و اجتناب‌ناپذیرند (Buchani & etal, ۲۰۱۷: ۲۱۲). از اواخر قرن بیستم به سبب ناموفق بودن دولت متمرکز در مدیریت مطلوب امور عمومی، موضوع حکمرانی خوب و اداره‌ی امور با مشارکت مردم بر مبنای تمرکززدایی از قدرت و تشکیل دولت محلی با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق و بررسی در این باره مورد توجه دانشکده‌های مختلف قرار گرفت؛ هم‌چنین به‌عنوان برنامه‌ای مطالعاتی توسط سازمان ملل متحد، بانک جهانی و اتحادیه‌ی اروپا در راستای اهداف توسعه هزاره برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار مورد حمایت و توجه قرار گرفت. ایجاد حکومت‌های محلی و اتخاذ سیاست عدم تمرکز، مبتنی بر اعتقاد به خلاقیت، استعدادهای فردی و اعتماد به سنجیده‌تر بودن تصمیمات جمع نسبت به قضاوت‌های فرد است. به این ترتیب امور هر محل معمولاً با توجه به امکانات و رعایت پاره‌ای مقتضیات محلی اداره شده و فشار بار بر دوش حکومت مرکزی کاهش می‌یابد (زارعی و رضائی زاده، ۲۰۱۱: ۲۸۲). هم‌چنین با گسترش رشد شهرنشینی و لزوم ارائه خدمات به شهروندان و گسترش تنوع اجتماعی و اقتصادی در محیط‌های شهری، دولت دیگر یگانه بازیگر در مدیریت شهری نیست. نیاز است دولت از تصدی‌گری در محیط شهری فاصله بگیرد و به نهادهای هم‌چون بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های اجتماعی اجازه نقش‌آفرینی دهد. نیاز به ارائه خدمات محلی، توسعه محلی و منطقه‌ای، گسترش دموکراسی و مشارکت در سطح محلی، منجر به گسترش نهادهای مردمی در محیط شهری و دیگر محیط‌های جغرافیایی در قالب دولت محلی گردیده است (Elhoirdizadeh & etal, ۲۰۱۵: ۲۴) دولت‌های محلی به‌مثابه نهادهای مردمی تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در مقیاس‌های محلی، ملی و فراملی از یکسو و موجب تقویت سازگاری میان برنامه‌های ملی و محلی‌اند و از سوی دیگر با برنامه‌های توسعه محلی مبتنی بر رقابت‌های مکانی در مناسبات فراملی به‌عنوان بازیگران نوین به ایفای نقش می‌پردازند (Soleimani & etal, ۲۰۱۵: ۲۴) برای شکل‌گیری دولت محلی باید به مؤلفه‌های متعددی مانند عوامل مؤثر زمینه‌های شکل‌گیری، فرصت‌ها و چالش‌های که با شکل‌گیری دولت محلی به وجود می‌آیند توجه کرد که این مؤلفه‌ها روی هم تأثیر می‌گذارند و لزوم ایجاد و بکارگیری تفکر سیستمی در این حوزه را الزامی می‌کنند (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۰۷-۱۰۸). مثلاً اگر یکی از عوامل مؤثر شکل‌گیری دولت محلی مانند تنوع قومی - زبانی به صورت درست هدایت بشود ایجاد فرصت می‌کند و اگر درست هدایت نشود این تفاوت‌ها و افتراقات تبدیل به چالش می‌شوند. با توجه به مطالب فوق این تحقیق درصدد برآمده تا

عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی را در ایران بر اساس تفکر سیستمی و در قالب چهار بعد (جغرافیایی، سیاسی-قانونی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی-مالی) مورد بررسی قرار دهد؛ و در نهایت هر کدام از ابعاد مورد نظر را در قالب تفکر سیستمی با کمک نرم‌افزار Vensim مدل‌سازی کند. بنابراین تازگی و نوآوری این تحقیق در امکان‌سنجی شکل‌گیری دولت محلی در کشور ایران با توجه به زیرساخت‌های مؤثر آن و با تمرکز به روش تفکر سیستمی است. اگرچه کاربرد تفکر سیستمی و فلسفه آن در زمینه دولت محلی به‌خوبی بیان شده است ولی هیچ‌کدام از تحقیقات تاکنون از مدل‌سازی در زمینه امکان‌سنجی شکل‌گیری دولت محلی با استفاده از روش سیستمی استفاده نکرده‌اند.

۲- مقدمه

رشد روزافزون نهادهای محلی - مردمی و ضرورت آن‌ها در اداره امور عمومی کشور و توجه فزاینده به محلی شدن اداره امور عمومی در دهه پایانی قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست یکم، دولت محلی را به واقعیتی انکارناپذیر و ضرورتی رو به گسترش در جهان تبدیل کرده است و لذا حکومت‌ها ناگزیر از به رسمیت شناختن و ایجاد آن در سطح محلی به‌عنوان جزء ساختاری حکومت هستند (Hafeznia & et al, ۲۰۱۱: ۱۴۸). در شکل‌گیری دولت محلی چهار بعد اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی- قانونی، اقتصادی- مالی به‌عنوان ابعاد اصلی دولت محلی ذکر شده‌اند. باینکه پژوهش‌های مختلف در مورد دولت محلی انجام شده‌اند ولی پژوهش‌های قبل در مرحله اجرا مانده‌اند و به‌صورت سیستمی و مدل‌سازی تأثیر ابعاد و عوامل را بر روی یکدیگر و در نتیجه بر روی دولت محلی در نظر نگرفته‌اند. اگرچه دولت محلی یک شیوه کارآمد است که اکثر کشورهای دنیا به آن روی آورده‌اند، اما به این معنا نیست که تمامی این کشورها در امر دولت محلی موفق می‌باشند. موفقیت و اثربخشی دولت محلی، مانند هر نظام دیگری به برخی زیرساخت‌ها نیازمند است. قبل هر اقدامی کشورها باید از میزان آمادگی خود در ارتباط با استقرار دولت محلی اطمینان حاصل نمایند. هدف هر کدام از ابعاد یادشده جریان دادن به روند دولت محلی هست. چهار بعد اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی- قانونی، اقتصادی- مالی را می‌توان به‌عنوان پایه‌های اصلی در دولت محلی در نظر گرفت که این ابعاد در پژوهش‌های مختلف مطرح شده‌اند. از جمله دکتر مقیمی در سال ۱۳۸۲ این ابعاد را مورد تأکید قرار داده و بر نگرش سیستمی به دولت محلی به‌عنوان کارآمدترین و بهترین روش تأکید داشته‌اند. هدف از این پژوهش بررسی سیستمی ارتباط بین این چهار بعد ذکر شده در جهت شکل‌گیری دولت محلی می‌باشد.

۳- روش تحقیق

فلسفه این تحقیق به‌صورت استقرایی بر اساس کشف روابط علی و معلولی بین ابعاد شکل‌گیری دولت محلی است. روش این تحقیق توصیفی- تحلیلی با رویکرد سیستمی است. در ابتدا با مطالعه مبانی نظری عوامل کلیدی موفقیت دولت محلی استخراج گردید؛ سپس با توجه به بررسی تحلیلی عوامل یادشده در موفقیت دولت محلی چهار بعد اجتماعی- فرهنگی، جغرافیایی، سیاسی- قانونی، اقتصادی- مالی مشخص شده. در جهت درک بهتر ارتباطات بین چهار بعد یادشده از نرم‌افزار ونسیم^۳ جهت مدل‌سازی استفاده شده است. سیستم طراحی شده به برنامه‌ریز کمک

^۳: Vensim

می‌کند تا درک بهتری از عوامل کلیدی موفقیت داشته باشد و این سیستم می‌تواند عوامل بحرانی را نیز نشان دهد. مزیت به‌کارگیری تفکر سیستمی در این تحقیق، پدیدار شدن چرخه‌های علی و معلولی است که در اثر آن سیستم با ایجاد بازخوردها از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل می‌شود (Senge, ۱۹۹۰).

۳-۱- نرم‌افزار ونسیم

شرکت Ventana Systems در ماساچوست در سال ۱۹۸۵ تأسیس شد و به تهیه و تولید مدل‌های شبیه‌سازی در مقیاس بزرگ که عناصر تجاری و فنی را در حل مسائل مدیریتی پیچیده ادغام می‌کردند مبادرت ورزید. برای انجام این کار از داده‌های موجود ترکیب‌شده با کدهای معمول که در زبان‌های برنامه‌نویسی نوشته می‌شوند استفاده می‌شد. برای کاهش دادن زمان تولید مدل موردنظر، این شرکت شروع به ساخت زبان شبیه‌سازی خاص خود نمود که به Vensim مشهور است و در اصل به‌عنوان افزونه‌ای بر برنامه پاسکال به وجود آمد. در واقع، Vensim یک ابزار مدل‌سازی بصری است که به شما اجازه می‌دهد مدل‌های سیستم‌های پویا را مفهوم‌سازی، مستندسازی، شبیه‌سازی، تجزیه و تحلیل و بهینه‌سازی نمایید. Vensim PLE و PLE Plus قالب‌ها و تنظیماتی از Vensim هستند که برای ساده‌سازی یادگیری پویایی‌ها و پیچیدگی‌های سیستم طراحی شده‌اند. با وصل کردن کلمات با استفاده از پیکان‌ها، ارتباط میان متغیرهای سیستم به‌عنوان ارتباطات علی و معلولی وارد و ثبت و ضبط می‌شوند. این اطلاعات توسط ویرایشگر معادله (Equation Editor) مورد استفاده قرار می‌گیرد تا شما را قادر سازد یک مدل شبیه‌سازی کامل ایجاد نمایید. شما می‌توانید مدل خود را در سرتاسر فرایند ساخت مورد بررسی قرار دهید، به علل و استفاده‌های یک متغیر و به حلقه‌های بازخوردی آن نگاه کنید. زمانی که شما مدلی ساختید که از قابلیت شبیه‌سازی برخوردار باشد، Vensim شما را قادر می‌سازد که به‌طور کامل رفتار مدل را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهید. این نرم‌افزار، این قابلیت را داراست که برای حل بسیاری از مسائل در حیطه‌هایی چون اقتصاد و خدمات مالی، مسائل اجتماعی، مسائل محیطی، انرژی، بازاریابی، مسائل علمی و تکنولوژیکی، مسائل و سیاست‌های استراتژیک، سیاست‌های یکپارچه‌سازی، نظرسنجی‌ها و ... مورد استفاده قرار گیرد.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- دولت و حکومت محلی

فضای درون کشور یکسان نیست و هر مکانی با مکان دیگر از لحاظ ماهیت توسعه و فرصت‌های اقتصادی، تفاوت‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی دارند (Poormoosavi & et al, ۲۰۰۸: ۷۸). بنابراین نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورها برای اداره بهتر سرزمین خود آن را به واحدهای کارکردی کوچک‌تری تقسیم و برخی اختیارات خود را به آنها تفویض می‌کنند. این تقسیم‌بندی ضمن آن‌که باعث سهولت در اداره کشور می‌شود بسیاری از نیازها و خواسته‌های شهروندان کشور را که به فرهنگ‌های مختلفی تعلق دارند و در نواحی فرهنگی مختلفی زندگی می‌کنند،

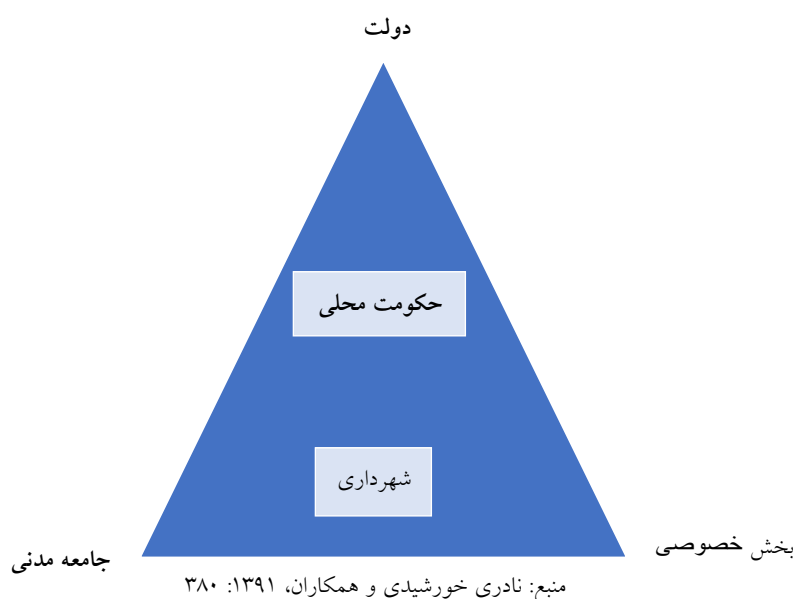
۴ . <http://vensim.com/vensim-history/>

۵ . Vensim Manual, "Vensim ۴: Standard Professional DSS", Ventana Systems, Inc, ۱۹۸۸.

۶ . http://www.ventanasystems.com/examples_general/

پوشش داده و میزان مشارکت آن‌ها در اداره کشور را بیشتر می‌کند (۹۵: ۲۰۰۸, Poormoosavi & et al). در ایران نظام سیاسی با دیدگاه یکسانی به همه مناطق نگاه می‌کند که این باعث بی‌توجهی به توان‌های محیطی و پتانسیل‌های منطقه‌ای شده و دولت بدون توجه به مقیاس‌های شهری (شهرک، شهرهای کوچک، متوسط، کلان‌شهر و منظومه شهر) الگوی دولت محلی یکسان (شورا-مدیر) را همراه با وظایف و اختیارات مشابه برای تمامی شهرهای ایران اعمال کرده است (۷۱: ۲۰۱۵, Veisi). دولت محلی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد رو به رشد مردمی در اداره امور کشور در جهان بر اساس سازوکار دموکراتیک و تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی از پایین به بالا می‌باشد (۲۰۱۳, Veisi). (۱۴۱). دولت محلی در مفهوم مدرن نهادی است که بر اساس قانون اساسی و مصوبات نهادهای عالی‌رتبه حکومتی یا قانون‌ایالتی، در مقیاس محله، روستا، شهر، کلان‌شهر و ناحیه تشکیل می‌شود و اعضای آن بر پایه اراده شهروندان طی فرایند دموکراتیک به‌صورت مستقیم از جانب مردم محل انتخاب می‌شوند تا با تصمیم‌گیری و نظارت بر امور عمومی محلی و استفاده از ظرفیت‌های محلی، به دنبال حداکثر توسعه و رفاه باشند (۱۰: ۲۰۱۴, Sabeghi). هم‌چنین در ارتباط مستقیم و بلافصل با مردم محلی است و نسبت به شرایط محلی آگاهی کامل دارد و مشروعیت و صلاحیت عمل بیشتری نسبت به دولت ملی در زمینه امور محلی دارد (۱: ۲۰۱۷, Karimi & Hafeznia). نظام سیاسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر عملکرد دولت محلی در هر کشوری می‌باشد (۵۵: ۲۰۱۵, Veisi). «تعریف سازمان ملل از حکومت محلی» واژه حکومت محلی به تقسیم‌بندی یک کشور و یا یک ایالت (در سیستم فدرال) اشاره دارد که به‌وسیله قانون ایجاد شده و کنترل اساسی امور محلی هم چون قدرت وضع مالیات را در دست دارد و هیئت اداره‌کننده (حکومتی) چنین موجودیتی به‌صورت محلی انتخاب می‌شود (۲۰۱۱, Hafeznia & et al). (۲۹) دولت‌های محلی ارتباط نزدیکی با مردم محلی دارند و شناخت کافی از شرایط و مسائل محلی دارند؛ به همین دلیل صلاحیت بیشتری نسبت به دولت ملی در زمینه امور محلی دارند (۲۴: ۲۰۱۷, Karimi & Hafeznia). دولت محلی در قانون اساسی فدراسیون‌های قدیمی به رسمیت شناخته نمی‌شد، حال آنکه در پنج دهه اخیر به‌صورت‌های مختلف از حمایت قانون اساسی برخوردار شده است (Steytler, ۳: ۲۰۰۶)؛ و در حال حاضر حمایت‌های قانون اساسی از دولت‌های محلی در بسیاری از کشورها فراتر از ساختار فدرالیسم است (۳: ۲۰۰۷, Governance). از طرفی ایجاد و توسعه حکومت‌های محلی در رشد و توسعه و شعور اجتماعی مردم و هم‌چنین در دوام و بقا و حفظ حاکمیت، استقلال و مقاومت در مقابل دشمنان خارجی نیز حائز اهمیت است (۲۳۳: ۱۹۹۶, Taheri). لازم به ذکر است واگذاری امور به سطوح محلی و به عبارت استقلال محلی می‌تواند در بردارنده چالش‌هایی نیز باشد، بدین معنی که دولت‌های محلی با گذشت زمان و افزایش قدرت ممکن است به رقیبی برای حکومت مرکزی تبدیل شده و علیه حکومت مرکزی اقدام کنند. در این نوع شرایط اجتناب‌ناپذیر برای جلوگیری از اتفاق فوق، باید سیاست‌های مشخص وضع و اجرا گردد و بین حکومت مرکزی و دولت محلی سیاست‌های مشخصی به‌صورت جداگانه تعریف و به هریک از آن‌ها واگذار شود. از طرفی حکومت مرکزی نیز فقط در شرایط ویژه از قدرت و اختیار کنترل خود استفاده کند، نه در هر شرایطی (۵: ۱۹۶۶, Griffith). استقلال محلی یک اصطلاح است که غالباً در هر دو حوزه آکادمیک و عمومی به کار گرفته می‌شود ولی خیلی کم به‌صورت مفهومی و به روش دقیق یا عملیاتی منوط به تحقیقات تجربی، تعریف شده است (۲: ۲۰۰۸, Wolman & et al).

شکل ۱. مثلث حکومت محلی



۲-۴- عوامل مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی

برای پیاده‌سازی دولت محلی هیچ «مدل از پیش‌ساخته‌ای» وجود ندارد و هر کشوری باید بر اساس مقتضیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و جمعیت شناختی خود، ابعاد دولت محلی را سامان داده و کار آیی مدیریت را در درون دولت محلی افزایش دهد. دولت‌های محلی باید بر اساس الگوی استراتژیک منحصر به فرد خودشان شکل گرفته و متکامل شوند (Moghim, ۲۰۱۱: ۱۱۹). در این بخش به مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در دولت محلی که در قالب پژوهش‌های مختلف توسط اندیشمندان بررسی شده به اختصار اشاره می‌شود: نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد، در استقرار و میزان موفقیت دولت و نهادهای سطح محلی عوامل و زمینه‌های مختلف محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی نقش دارند. این عوامل متناسب با ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی، سیاسی کشور مورد نظر نقش و تأثیر متفاوتی را دارند و به عبارت دقیق‌تر در استقرار دولت محلی در قالب سازمان‌ها و نهادهای سطح محلی هر کدام از این عوامل وزن و جایگاه متفاوتی را دارند. مروری بر پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد، مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در استقرار و شکل‌گیری دولت محلی را در قالب چهار دسته عوامل جغرافیایی، اقتصادی-مالی، سیاسی-قانونی و فرهنگی-اجتماعی می‌توان تقسیم‌بندی کرد. جدول زیر مهم‌ترین عوامل، زمینه‌ها و مؤلفه‌های مؤثر در دولت محلی را در قالب چهار دسته فوق نشان می‌دهد:

جدول ۱: عوامل کلیدی و مؤثر در شکل‌گیری و استقرار دولت محلی

عوامل اصلی	عناصر و اجزاء	توضیح مربوط به هر بعد	منبع
عوامل جغرافیایی	میزان وسعت، میزان تنوع آب و هوایی، فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی، پراکندگی بیش‌ازحد مناطق، وجود ناهمواری‌ها، شکل هندسی کشور، محدودیت طبیعی و محیطی متفاوت، لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و	سیمای حکومت‌های محلی بیانگر بعد جغرافیایی آن است و حکومت محلی در قالب واژه جغرافیایی مفهوم‌سازی می‌شود قلمروی که سکونتگاه افرادی خاص است (Moghim, ۲۰۱۱: ۱۱۱). حکومت‌های محلی بایستی متناسب با محیط جغرافیایی و جمعیت	(Hafeznia & Ghalibaf, ۲۰۰۱) (Hafeznia & Kavianirad, ۲۰۰۹) (Mirheydar, & Zaki, ۲۰۰۲) (Taehri, ۱۹۹۱) (Moghim, ۲۰۱۱)

	شناختی خود به وجود آید. هماهنگی عوامل محیطی باعث ایجاد محیط مطلوب و ایدئال برای رشد و توسعه خودگردانی محلی می‌شود (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۹)	نیازها آن منطقه، استعداد و توانمندیهای محیطی متفاوت کشور	
(Etaat & Moosavi, ۲۰۱۱) (Hafeznia & Kavianirad, ۲۰۰۹) (Moallemi, ۲۰۱۰) (Veisi, ۲۰۱۳) (Moghimi, ۲۰۱۱)	دولت محلی مینیاتوری از هیئت سیاسی و شخصیت حقوقی حکومت مرکزی است؛ حکومت محلی نماینده منافع عمومی در محل است و جایگاه دولت‌های محلی به‌عنوان واحدهای خودگردان، در چارچوب قانون مشخص شده، به‌طوری‌که خودگردانی به‌عنوان حق ذاتی دولت محلی دیده شده است (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۳) ویژگی سیاسی مهم‌ترین جنبه سیاسی دولت محلی است (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۴)	لزوم کاهش میزان هژمونی حکومت مرکزی، جهانی‌شدن و پیچیدگی‌های اداره امور، خدمات‌رسانی کارآمد، تأخیر در انجام امور ملی و محلی، ضرورت تصمیم‌گیری امور محلی در درون جامعه محلی نه بیرون از آن، لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاه‌ترین زمان، ناتوانی دولت در پاسخ‌گویی به نیازهای محلی، کارآمدی دولت بر اثر کاهش لایه‌های دیوان‌سالاری و دولت کوچک، افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری در پی فرایند تصمیم‌سازی، فرهنگ سیاسی مردم، افزایش بوروکراسی.	عوامل سیاسی- قانونی
(Hafeznia & Ghalibaf, ۲۰۰۱) (Khoob roy pak, ۲۰۰۵) (Sameti & et al, ۲۰۰۷) (Veisi, ۲۰۱۳) (Moghimi, ۲۰۱۱)	عنصر کلیدی دولت محلی، خودمختاری مالی می‌باشد. (Steytler, ۲۰۰۶, ۶). امور اقتصادی حوزه محلی در مدیریت دولت محلی تأثیرگذار است (Moghimi, ۱۱۰: ۲۰۱۱) ثبات مالی و وضعیت مناسب اقتصادی یکی از پایه‌های اصلی تعیین درجه استقلال سیاسی مدیریتی دولت محلی می‌باشد (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۸)	ترجیح رشد کیفی (توسعه) بر رشد کمی، کاهش قیومیت سیاسی حکومت مرکزی از نظر مالی، تمرکز زیاد اقتصادی و ضررهای ناشی از آن، امکان وصول دقیق‌تر مالیات از مردم، تمرکززدایی ابزاری کارآمد جهت افزایش کارایی بخش عمومی و رشد اقتصادی، کاهش هزینه‌های دولت مرکزی، کاهش رشد فساد مالی و رشوه.	عوامل اقتصادی- مالی
(Azami & Dabiri, ۲۰۱۱) (Ghobadi, ۲۰۱۲) (Hafeznia & Ghalibaf, ۲۰۰۱) (Hafeznia & Kavianirad, ۲۰۰۹) (Moallemi, ۲۰۱۰) (Veisi, ۲۰۱۳) (Moghimi, ۲۰۱۱)	یک گروه سازمان‌یافته که در درون محدوده‌ای جغرافیایی خاص، با خصایص اجتماعی- فرهنگی که نشانگر خاصی نیز دارد، یک موجودیت اجتماعی جداگانه را شکل می‌دهند (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۹) ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی هر کشور و ملت مهم‌ترین عامل تأثیرگذار را بر عملکرد و ظهور دولت‌های محلی هستند (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۱۶)	میزان تنوع قومی- زبانی، افزایش میزان آگاهی مردم در نواحی غیر برخوردار، میزان تنوع مذهبی، گرایش مردم به دموکراسی، افزایش مطالبات محلی و ملی، وجود احساسات تعلق مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی، وجود منافع مشترک محلی، افزایش ظرفیت مشارکت مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی	عوامل اجتماعی- فرهنگی

(Reference :Authors, ۲۰۱۴)

۳-۴- تفکر سیستمی

سابقه تفکر سیستمی به بیش از ۵۰ سال پیش برمی‌گردد (Checkland, ۱۹۹۹) و در ابتدا روشی بود که به تصمیم‌گیری‌های پیچیده در برنامه‌ریزی جنگ‌ها کمک می‌کرد. در سال‌های بعد این تفکر به روشی کاربردی برای برنامه‌ریزی در حوزه‌های مختلف پژوهشی و کاربردی تبدیل شد. امروزه تفکر سیستمی به یک روش بسیار قوی برای مواجهه با موضوعات بسیار پیچیده تبدیل شده است. این روش با مدل کردن سیستم و نشان دادن اجزای آن

به صورت کامل، از پیچیدگی مسئله می‌کاهد و به برنامه‌ریز کمک می‌کند که به مسئله اشراف کامل پیدا کند (Flett, ۲۰۰۱).

Balle در سال ۱۹۹۴ در کتابی با عنوان برنامه‌ریزی و مدیریت از طریق تفکر سیستمی، ۳ فعالیت مهم را مرتبط با تفکر سیستمی تعریف می‌کند. الف- تمرکز اصلی بر روی ارتباطات بین اجزاء باشد. ب- الگوها نیز مورد بررسی قرار گیرد و فقط وقایع در نظر گرفته نشود. ج- بازخوردها در سیستم نمایش داده شوند تا سیستم از حالت استاتیک به حالت دینامیک تبدیل شوند (Balle, ۱۹۹۴). تفکر سیستمی به دنبال پاسخ دادن به این مسئله است که چگونه ساختار بر روی رفتار تأثیر می‌گذارد و به این نتیجه می‌رسد که ارتباطات داخلی در یک سیستم باعث می‌شود ساختاری به وجود آید که در نتیجه آن کل سیستم از خود رفتاری منطبق با این ارتباطات بروز دهد (Senge, ۱۹۹۰). رویکرد سیستمی با اتخاذ چارچوبی برای تجسم عوامل و متغیرهای داخلی و خارجی سازمان در قالب مجموعه‌ای واحد، به شناخت خرده سیستم‌ها، سیستم اصلی و ابر سیستم پیچیده محیط بر سازمان می‌پردازد (Hafeznia & etal, ۲۰۱۱). در کشورهای که تنوع محیط جغرافیایی و انسانی وجود دارد سیستم متمرکز کارایی لازم برای مدیریت سیاسی فضا ندارد. در این نوع حکومت‌ها فضای کشور در یک قالب یکنواخت و همسان نگریسته شده و تفاوت‌ها و تنوعات جغرافیایی در نظر گرفته نمی‌شود (Hafeznia & etal, ۲۰۱۱: ۲۸-۲۹).

۵- ارزیابی سیستمی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری دولت محلی

۱- ۵- زیرسیستم‌های مورد مطالعه

مشکلات جوامع انسانی و سازمان‌ها روزبه‌روز پیچیده‌تر و حل آن‌ها نیازمند تفکر بهتر است رویکرد سیستمی، مدعی ارائه روشی برای برخورد اصولی‌تر با پیچیدگی‌های دنیای کنونی است (Mokhtari, ۲۰۰۹: ۱). برای شناخت و تحلیل موضوعات مدیریتی، به‌ویژه مدیریت حکومت و دولت‌های محلی، بدون شک «نگرش سیستمی» بهترین و کارآمدترین رویکرد است؛ چراکه سیستم‌های دولت محلی که شامل بیشترین عناصر مشترک عدم تمرکز در سراسر دنیا می‌باشند، کمتر مورد توجه سیستماتیک قرار گرفته‌اند (Governance, ۲۰۰۷: ۲). و علاوه بر این، در این روش دولت محلی به‌عنوان یک سیستم مورد تجزیه تحلیل دقیق و همه‌جانبه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سیستمی، تأثیر متقابل محیط و سازمان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ در این چارچوب دولت‌های محلی نیز به‌عنوان یک سیستم از عناصر مختلفی تشکیل شده‌اند که هم از محیط خود تأثیر می‌پذیرند، هم می‌توانند بر محیط تأثیرگذار باشند. اگرچنان‌که عناصر تشکیل‌دهنده آن تقویت‌کننده یکدیگر باشند می‌توانند محیط خود را تغییر دهند ولی به‌هر حال همواره محیط بر روی عملکرد دولت‌های محلی تأثیرگذار بوده دولت‌های محلی تا حدودی باید خود را با محیط تطبیق دهند (Moghimi, ۲۰۱۱: ۱۰۷-۱۰۸). در این پژوهش مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های مؤثر در شکل‌گیری و استقرار دولت محلی در چهار بعد اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-مالی، جغرافیایی و سیاسی-قانونی در قالب نگرش سیستمی مورد مطالعه قرار گرفته. بر این اساس، هرکدام از مؤلفه‌های چهارگانه فوق در قالب یک زیرسیستم مجزا تعریف شده و سپس در ادامه اجزاء این زیرسیستم تدوین و ارتباط آن‌ها با یکدیگر در قالب مدل و با استفاده از

نرم افزار ونسیم^۷ ترسیم شده. در نهایت و پس از مشخص شدن عناصر هر زیرسیستم و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر، در مدل نهایی نحوه ارتباط و تأثیر و تأثر متقابل چهار زیرسیستم و عناصر آن‌ها بر یکدیگر در قالب مدل نهایی به تصویر کشیده شده است.

۱-۱-۵- زیرسیستم اجتماعی - فرهنگی

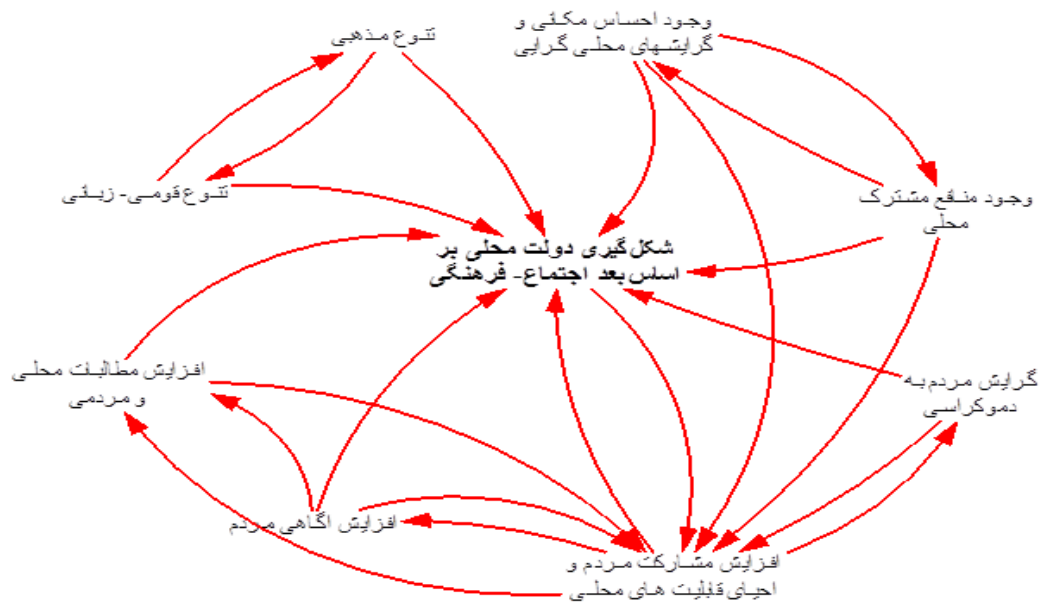
ویژگی‌های فرهنگی و تاریخی هر کشور مهم‌ترین تأثیر را بر عملکرد حکومت‌ها و دولت‌های محلی می‌گذارد و در ظهور چنین سازمان‌هایی در هر جامعه، دارای نقش کلیدی است (Moghimi, ۲۰۱۱:۱۱۶). از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و استقرار موفق دولت محلی در قالب زیرسیستم اجتماعی - فرهنگی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: میزان تنوع قومی - زبانی - میزان تنوع مذهبی - گرایش مردم به دموکراسی - وجود منافع مشترک محلی در منطقه - افزایش مطالبات محلی و ملی - وجود احساس مکانی و گرایش‌های محلی گرایی - افزایش ظرفیت‌های مشارکت مردم در توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی - افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق خود. هر کدام از عوامل و متغیرهای ذکر شده در بالا نقش مهمی در استقرار دولت محلی و میزان موفقیت آن در کشورهای مختلف دارند. به عنوان نمونه تنوع قومی - زبانی، مذهبی در کشورهای مختلف می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری دولت محلی داشته باشد. چنانکه اگر ساختار ملتی موزاییکی بوده و یکدست نباشد و از طرفی اگر نتوان تفاوت‌های و افتراقات یک کشور را با نگاه صحیح و عملکرد واقع‌بینانه در قالب وحدت ملی در راستای منافع ملی هدایت کرد، در این صورت این تفاوت‌های قومی - زبانی - فرهنگی - مذهبی و نژادی در یک جامعه ناهمگون رنگ بوی سیاسی به خود خواهد گرفت و تاروپود حیات سیاسی هر واحد سیاسی را به چالش خواهد کشاند (Mirheydar, & Zaki, ۲۰۰۲: ۵۶). بدیهی است در چنین شرایطی طرح شکل‌گیری و استقرار دولت و نهادهای محلی می‌تواند برای حکومت مرکزی چالش‌زا باشد و حکومت آن را تهدیدی برای خود تصور نماید. در مقابل، خود این وضعیت یعنی تنوع قومی، مذهبی، زبانی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و... متناسب با این تنوع باشد و در چنین شرایطی نظام عدم تمرکز و واگذاری امور به سطوح محلی بهترین شیوه است (Taheri, ۱۹۹۴: ۱۱۳). اقوام ایرانی درخواست سهم شدن در قدرت یا مشارکت در امور ملی و محلی را از سوی دولت مرکزی خواهان هستند (Pishgahi Fard & Omidi Avaj, ۲۰۰۹: ۴۸). توسعه پایدار از طریق تصمیم‌گیری مشارکتی در سطح محلی امکان‌پذیر است زیرا این سطح با نیازهای روزمره زندگی افراد مماس است (Moshiri & Albo Naimi, ۲۰۱۷: ۷۶). مطلوب‌ترین شیوه مدیریت در دنیایی که فشرده‌گی زمان و مکان بر آن غالب می‌باشد، شیوه توسعه مشارکت میان شهروندان، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌باشد (Jovanmardi, ۱۲: etal). واکزاری امور عمومی محلی به شهروندان و رضایتمندی عمومی که پیامد آن مشروعیت حکومت و توسعه دموکراسی در قالب نظام عدم تمرکز است، مهم‌ترین تئوری اداره امور عمومی در عصر حاضر می‌باشد که این مهم در قالب دولت محلی امکان‌پذیر می‌باشد. محلی گرایی و محلی شدن اداره امور عمومی محلی که مفهوم بسیار نزدیکی با خودگردانی دارد بیانگر نقش مستقیم و مشارکت بی‌واسطه شهروندان و منتخبان مردم در اداره‌ی امور محلی شهری، کلان‌شهری، روستایی و ناحیه‌ای دارد (Veisi, ۲۰۱۰: ۱). با حضور اقلیت‌ها در مدیریت‌های ملی و

^۷: Vensim

مشارکت مردم محلی در اداره امور منطقه‌ای افزایش یابد (Ibid: ۶۹). همچنین وجود منافع و نیازهای مشترک در جوامع محلی و در سطح محلی از جمله عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری و استقرار نهادهای محلی و موفقیت یا عدم توفیق آن است. به‌طور کلی افراد ساکن در یک فضای جغرافیایی برای زیست و ادامه حیات خود نیازها و احتیاجاتی دارند که توقع برآورده شدن آن‌ها را در محل خود دارند و خواستار تأمین نیازها خود هستند (Hafeznia, ۲۰۱۲: ۲۰۴). به عبارت دقیق‌تر، برخی از نیازها در جامعه وجود دارند که انعکاس آن‌ها فقط در سطح محلی است و نیاز هست که به دست نهادهای محلی و دولت محلی سپرده شود و با توجه به احساس نیاز و مشارکت خود مردم محل و بدون درگیر شدن سازمان‌های بالادستی حل و فصل شود؛ در چنین شرایطی وجود سازمان‌ها و نهادهای محلی ضرورت دارد و می‌تواند موجب افزایش اعتماد عمومی، مشارکت و سرمایه اجتماعی شود. عناصر و اجزاء زیرسیستم اجتماعی و فرهنگی پس از احصاء جهت پیدا کردن روابط هرکدام از عناصر با یکدیگر و همچنین نحوه رابطه و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری و استقرار دولت محلی در نرم‌افزار ونسیم^۸ وارد گردید (شکل ۱) بر اساس این داده‌ها ترسیم شده است. همچنان که در مدل زیر مشخص است، در زیرسیستم اجتماعی - فرهنگی عوامل آن با یکدیگر روابط متقابل دارند و بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و همچنین از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و چرخه سیستم را از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل می‌کند. نهادهای محلی مانند شوراهای و شهرداری‌ها در شکل‌گیری و سامان‌دهی مشارکت مردم به‌ویژه در مقیاس محلات نقش اساسی دارند.

به‌عنوان مثال: میزان افزایش آگاهی مردم از حقوق خود، میزان مطالبات محلی و مردمی و همچنین وجود احساس تعلق مکانی و گرایش‌های محلی‌گرایی باعث لزوم مشارکت مردم در اداره امور جامعه و محل خودشان و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی می‌شود؛ و بحث شکل‌گیری دولت محلی و توزیع فضایی قدرت را مطرح می‌کند. می‌توان گفت این عامل به‌طور مستقیم در شکل‌گیری دولت محلی تأثیرگذار است که در نتیجه شکل‌گیری دولت محلی عامل مشارکت مردمی و توسعه از پایین تقویت می‌شود. درحالی‌که اگر حکومت مرکزی به مطالبات مردمی در نتیجه توزیع قدرت و برآوردن نیازهای آنان توجه نکند باعث نارضایتی مردم و بروز بحران در جامعه می‌شود که حکومت را در اداره جامعه با مشکل روبه‌رو می‌سازد خصوصاً اگر بحث تنوع قومی - زبانی را نیز به این مبحث افزود. شایان‌ذکر است هرچه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر عنصر در سیستم بیشتر باشد، آن عنصر را می‌توان به‌صورت بحرانی‌تر و مهم‌تر در سیستم در نظر گرفت؛ بنابراین تغییر در این عنصر می‌تواند روی کل سیستم تأثیرپذیر باشد می‌توان گفت عناصر تنوع قومی - زبانی، مطالبات ملی و محلی، مشارکت مردم در اداره امور و توسعه از پایین و گرایش‌های محلی‌گرایی عناصر بحرانی در این سیستم‌اند زیرا بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نسبت به عناصر دیگر دارند.

^۸: Vensim



شکل ۱. زیرسیستم اجتماعی- فرهنگی

۲-۱-۵- زیرسیستم اقتصادی- مالی

مبنای تشکیل حکومت محلی مشورت با مردم محل در اداره‌ی امور خود، توجهات اقتصادی از حیث ارائه‌ی خدمات بر اساس ترجیحات محلی و استفاده‌ی بهینه از امکانات محلی برخاسته از نظریه‌های حقوقی و سیاسی است؛ نظریه‌هایی که مشارکت مردم را در اداره‌ی امور خود از طریق انتخاب مستقیم مسئولین محلی، نزدیک بودن مسئولین به مردم در نتیجه پاسخ‌گویی آنها را ضروری می‌دانند (Zarai & Rezaizadeh, ۲۰۱۱: ۲۸۳). از دیگر مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار در شکل‌گیری دولت محلی عوامل اقتصادی و مالی است که در این پژوهش در قالب زیرسیستم اقتصادی- مالی مطرح شده است. زیرسیستم اقتصادی- مالی دارای عناصر و اجزاء مختلفی است که در شکل‌گیری دولت محلی مؤثرند. برخی از مهم‌ترین این عناصر که در پژوهش‌های مختلف از آنها به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری دولت محلی نام‌برده شده است عبارت‌اند از: کاهش قیومیت سیاسی حکومت مرکزی از نظر مالی- ترجیح رشد کیفی (توسعه) بر رشد کمی - امکان وصول دقیق‌تر مالیات از مردم - تمرکز زیاد اقتصادی و ضررهای ناشی از آن- کاهش رشد رشوه و فساد مالی- کاهش هزینه‌های دولت مرکزی - تمرکززدایی ابزاری کارآمد جهت افزایش کارایی بخش عمومی و رشد اقتصادی می‌باشند. در ادامه برخی از این عناصر به‌اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

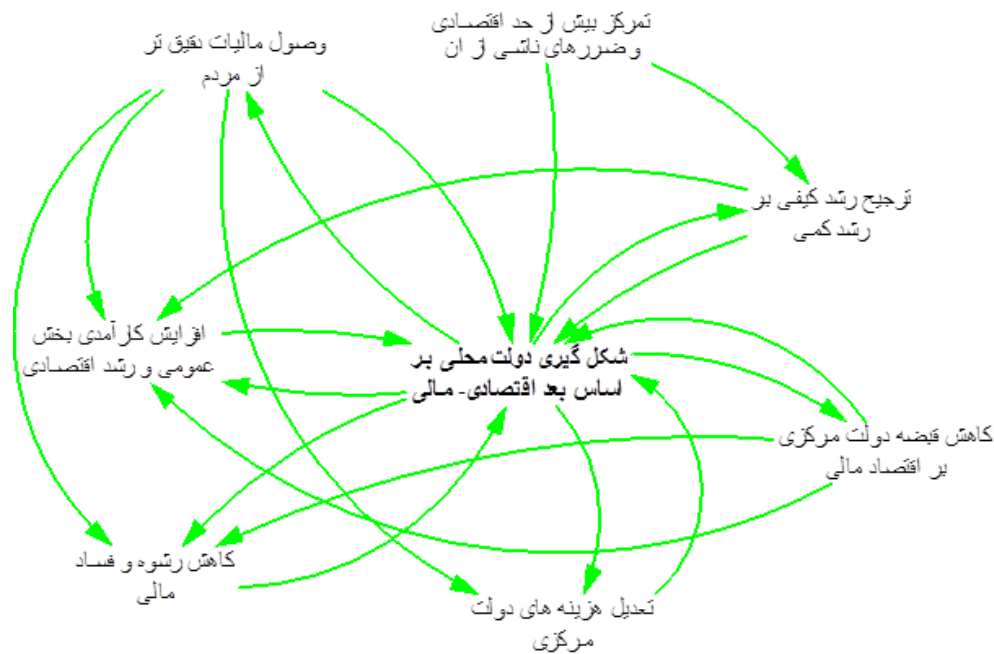
به‌عنوان مثال: عامل کاهش قیومیت سیاسی حکومت مرکزی از نظر مالی و به عبارت دقیق‌تر خودمختاری مالی دولت محلی یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصادی مؤثر در شکل‌گیری دولت محلی است. به اعتقاد اکثر پژوهشگران مهم‌ترین عنصر و به عبارتی عامل کلیدی دولت محلی از نظر اقتصادی، خودمختاری مالی است. در رابطه با تأمین مالی دولت محلی، منابع متنوعی وجود دارد، به طوری که در بعضی از کشورها دولت محلی خودکفاست یعنی از هر طریقی منابع مالی‌اش را تأمین می‌کند و در مقابل در بیشتر کشورها منابع مالی بیشتر وابسته به جابه‌جایی مالی از سایر سطوح دولت محلی هست (Steytler, ۲۰۰۶, ۶). تمرکززدایی مالی به معنای تفویض اختیار مالیات‌گیری و هزینه به سطوح

پایین تر حکومت است که امروزه به موضوع مهم حاکمیت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است (۶۲: ۲۰۱۲, Ghobadi). به طور عمومی جهت استقرار درآمدهای پایدار در یک جامعه به ویژه به واسطه وسعت و جمعیت هر محدوده جغرافیایی غیرمتمرکز بودن حکومت حالت مطلوب تری خواهد داشت (Andalib & Sabetghadam, ۲۰۰۹: ۹۷). تمرکززدایی می تواند به عنوان ابزاری کارآمد جهت افزایش کارایی بخش عمومی عمل کند زیرا انتظار می رود که چنین سیاست های به اهداف نظیر افزایش کارایی و در کشورهای در حال توسعه و در نهایت رشد اقتصادی بینجامد (۲: ۲۰۱۰, Moallemi). امور اقتصادی حوزه محلی در مدیریت حکومت محلی تأثیرگذار است. ادبیات مدیریت عمومی نیز تمایل دارد که اثبات کند، عدم تمرکز باعث افزایش بهره‌وری خدمات عمومی، مشارکت سیاسی و شفافیت، می شود، در حالی که با نزدیک تر کردن رأی دهنده - مصرف کنندگان به دولت، باعث کاهش فساد و جریان منابع مالی و انسانی جدید می گردد (International Council on Human Rights Policy, ۲۰۰۵: ۱۵). حکومت مرکزی از نظر مالی، قدرتمند و صاحب اختیار است و از این رو می تواند از این فرصت به عنوان یک حربه علیه دولت محلی استفاده می کند و در مقابل از نظر حکومت مرکزی، دولت محلی، می تواند از طریق رسانه ها و تلویزیون محلی، عدم حمایت و تأمین منابع کافی برای محل، حکومت مرکزی را در نزد مردم، بی کفایت و ضعیف نشان دهد (۷: ۱۹۹۸, Bilgic).

یکی دیگر از عناصر تأثیرگذار بر شکل گیری دولت محلی در زیرسیستم اقتصادی، امکان وصول دقیق تر مالیات از مردم است. اگر دولت های محلی به معنای واقعی کلمه به وجود آیند آن وقت مردم هر محل نیازهای محلی خود را تشخیص می دهند عوارض و مالیات های محلی را به نحوی که مقرر شده است وصول می کنند و با استفاده از این منابع مالی و با نیروی انسانی و وسایل مورد نیاز در اجرای سیاست های خطی مشی های و برنامه محلی خویش اقدام می کنند (۱: ۲۰۰۸, Rajabieh). برخی افراد اعتقاد دارند که اخذ مالیات از مردم نایستی بدون وکالت و نمایندگی آنها صورت گیرد؛ حکومت محلی زمینه لازم را برای وکالت و نمایندگی مردم به وجود می آورد (Moghipi, ۲۰۱۱: ۶۹) و در این صورت مردم در پرداخت مالیات مشارکت مؤثری خواهند داشت، زیرا از یک سو مردم برخلاف حکومت مرکزی، دولت محلی را نماینده خوبی برای دریافت مالیات می دانند و از سوی دیگر این اعتقاد وجود دارد که با پرداخت مالیات به دولت محلی فرایند توسعه محلی نیز تسریع خواهد شد. همانند زیرسیستم اجتماعی-فرهنگی، عناصر زیرسیستم اقتصادی پس از گردآوری در نرم افزار مربوطه وارد شد و بر اساس آن داده ها، مدل زیر ترسیم گردید که هم اثرات متقابل هر کدام از عناصر زیرسیستم اقتصادی را بر یکدیگر نشان می دهد و هم در مجموع تأثیرات این عناصر را بر شکل گیری دولت محلی نشان می دهد؛ به عنوان مثال عامل هزینه های دولت مرکزی به طور مستقیم در شکل گیری دولت محلی اثرگذار است و از سوی دیگر با شکل گیری دولت محلی این عامل می تواند تعدیل شود یا در عامل کاهش قبضه دولت مرکزی بر اقتصاد مالی که بر روی عامل رشوه و فساد مالی تأثیرگذار است که کاهش رشوه فساد مالی خودش عاملی است که لزوم شکل گیری دولت محلی را به وجود می آورد و با شکل گیری دولت محلی این عامل می تواند تعدیل شود یعنی یک ارتباط دوسویه برقرار است.

همان طور که در شکل ۲ مشاهده می شود عوامل اقتصادی - مالی دارای ارتباط متقابل با یکدیگر هستند. مثلاً تمرکز بیش از حد اقتصادی و ضررهای که ناشی از این تمرکز باعث می شود که حکومت به سمت عاملی مانند ترجیح رشد کیفی بر رشد کمی حرکت کند که این عامل خود باعث افزایش کارآمدی بخش عمومی و رشد اقتصادی می شود و

با شکل‌گیری دولت محلی نیز تقویت می‌شود. یا می‌توان گفت با کاهش قبضه دولت مرکزی بر اقتصادی مالی میزان رشوه و فساد مالی کمتر می‌شود هم‌چنین باعث کارآمدی بخش عمومی و رشد اقتصادی می‌شود و با شکل‌گیری دولت محلی این عامل تقویت می‌شود و فساد مالی و میزان قبضه حکومت مرکزی بر اقتصاد مالی تعدیل می‌شود.

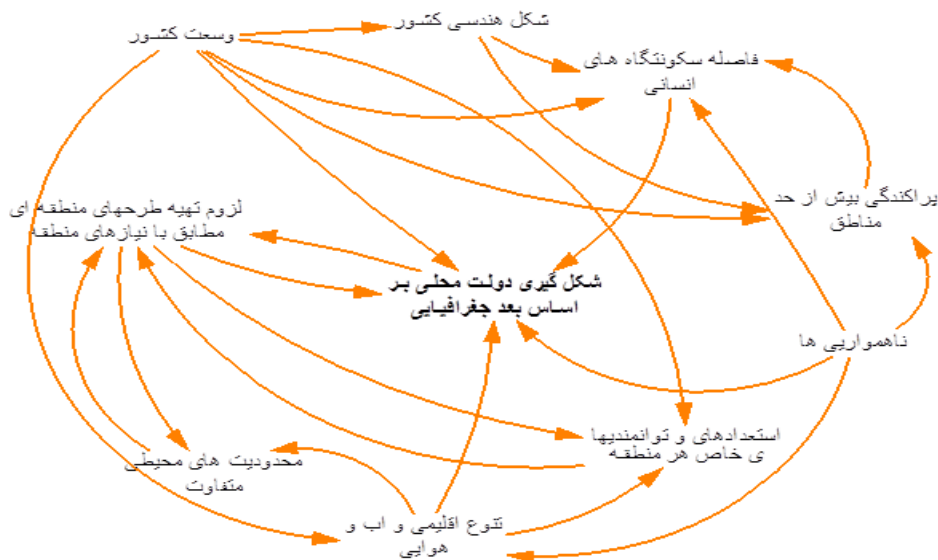


شکل ۲. زیرسیستم اقتصادی-مالی

۳-۱-۵- زیرسیستم جغرافیایی

دولت‌های محلی بایستی متناسب با محیط جغرافیایی و جمعیت شناختی به وجود آیند (Moghipi, ۲۰۱۱: ۱۱۹). سیمای دولت‌های محلی بیانگر بعد جغرافیایی آن است دولت محلی در قالب واژه جغرافیایی مفهوم‌سازی می‌شود، «قلمروی که سکونتگاه افرادی خاص است.» (Moghipi, ۲۰۱۱: ۱۱۱). از جمله عوامل مهمی که در شکل‌گیری دولت محلی مؤثرند؛ می‌توان به میزان وسعت- وجود ناهمواری‌ها - میزان تنوع آب و هوایی و تنوع اقلیمی- فاصله بین سکونتگاه‌های انسانی - پراکندگی بیش‌ازحد مناطق - شکل هندسی کشور - محدودیت طبیعی و محیطی متفاوت کشور- لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و نیازهای آن منطقه - استعداد و توانمندی‌های محیطی متفاوت کشور اشاره کرد که در ادامه به‌صورت مختصر به تشریح چند عامل پرداخته می‌شود و درنهایت دیاگرام زیرسیستم جغرافیایی ارائه خواهد شد. به‌عنوان نمونه در بحث وسعت کشور می‌توان بیان کرد وسعت زیاد کشور باعث تعدد واحدهای جغرافیایی، تنوع طبیعی و انسانی در داخل کشور، تنوع معیشتی، اجتماعی، قومی و نژادی و زبانی بوده است که خود این تفاوت‌ها و تنوعات در پهنه جغرافیایی کشور زمینه ایجاد واحدهای جغرافیایی و در نتیجه تقسیم‌بندی فضای سرزمین را فراهم می‌آورد. یکی از عواملی که تأثیر قابل‌توجهی بر نحوه تقسیم‌بندی فضای سرزمین می‌گذارد ویژگی‌های طبیعی کشور و جبر محیط طبیعی بوده است (Azami & Dabiri, ۲۰۱۱: ۱۵۱)

همچنین در مورد پراکندگی بیش از حد مناطق می‌توان گفت که با یک ستاد کمکی و تخصصی غیرمتمرکز می‌توان در اسرع وقت خدمات لازم را به تمام مناطق عرضه نمود و هماهنگی لازم را به وجود آورد. به منظور اجرای این امر باید هر منطقه خود دارای ستادهای کمکی و تخصصی باشد و ستاد فرماندهی در مرکز فقط از نظر خط‌مشی و سیاست‌های کلی عملیات را هدایت نماید (Mirheydar & Zaki, ۲۰۰۲: ۵۵). برای عامل لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و نیازهای آن منطقه می‌توان این‌گونه بیان کرد که مکان‌ها و نواحی جغرافیایی به منظور اداره بهتر امور و تنظیم افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها به خودگردانی و مدیریت در بعد محلی نیازمند می‌باشند (Hafeznia & etal, ۲۰۰۹: ۱). با توجه به اینکه شرایط محیطی و جغرافیایی در همه استان‌ها و مناطق کشور یکسان نیست و از طرفی هدف دولت ارجاع صحیح برنامه‌های دولت در سطح کشور می‌باشد و این اختلاف شرایط مانع و مشکل برای اجرای اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی آموزشی و سایر امور رفاهی است؛ بنابراین با توجه به توانایی‌ها استعدادها و نیازهای هر منطقه باید به تهیه طرح‌های توسعه منطقه اقدام کرد؛ که دولت محلی می‌تواند در جهت اجرای صحیح و سرعت بخشیدن به این طرح‌ها از طریق همکاری و هماهنگی لازم بین مناطق استان‌های مختلف اقدام کرده و دولت را یاری دهند (Taheri, ۱۹۹۸: ۲۲۲). با توجه به عوامل مهمی که ذکر شده، شکل‌گیری زیرسیستم بعد جغرافیایی در جهت پیاده‌سازی دولت محلی به صورت (شکل ۳) می‌باشد. در زیرسیستم جغرافیایی عوامل آن با یکدیگر روابط متقابل دارند و بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و همچنین از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و چرخه سیستم را از حالت ایستا به حالت پویا تبدیل می‌کند. به‌عنوان مثال عامل محدودیت‌ها و استعدادهای متفاوت محیطی هر منطقه باعث لزوم تهیه طرح‌های منطقه‌ای مطابق با نیازها و پتانسیل‌ها و محدودیت‌های آن منطقه می‌شود که این امر به صورت مستقیم تأثیرگذار است در فرایند شکل‌گیری دولت محلی و با شکل‌گیری دولت محلی طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با نیازها، محدودیت‌ها و پتانسیل‌های هر منطقه انجام می‌گیرد که ضامن رضایت مردم و رفع نیازهای آن‌ها در هر منطقه و توجه به پتانسیل‌های هر محیط می‌شود در نهایت اداره امور با سهولت بیشتری انجام می‌شود. در صورتی که اگر به نیازهای و پتانسیل‌های متفاوت هر محیط توجه نشود طرح‌های توسعه که بر ای هر منطقه مطابق با آن‌ها اجرا نشود این طرح‌ها با وجود هزینه‌های هنگفتی که صرف آن‌ها می‌شود با شکست یا عدم موفقیت همراه می‌شوند و همچنین به دلیل برآورده نکردن نیازهای مردم در هر منطقه عامل نارضایتی مردم را نیز به همراه دارد و پتانسیل‌های محیطی نیز بدون استفاده رها می‌شوند در نتیجه شکل‌گیری دولت محلی نیز با مشکل همراه می‌شود و اداره امور کشور نیز برای حکومت مرکزی سخت و طاقت‌فرسا می‌شود. شایان ذکر است هرچه تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هر عنصر در سیستم بیشتر باشد، آن عنصر را می‌توان به صورت بحرانی و مهم‌تر در سیستم در نظر گرفت؛ بنابراین تغییر در این عنصر می‌تواند روی کل سیستم تأثیرگذار باشد. می‌توان گفت عناصر استعدادها و محدودیت‌های محیطی هر منطقه، تهیه طرح‌های توسعه‌ای مطابق با نیازهای و پتانسیل‌های هر محیط و وسعت جزء عناصر بحرانی در این سیستم‌اند زیرا بیشترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را نسبت به عناصر دیگر دارند.

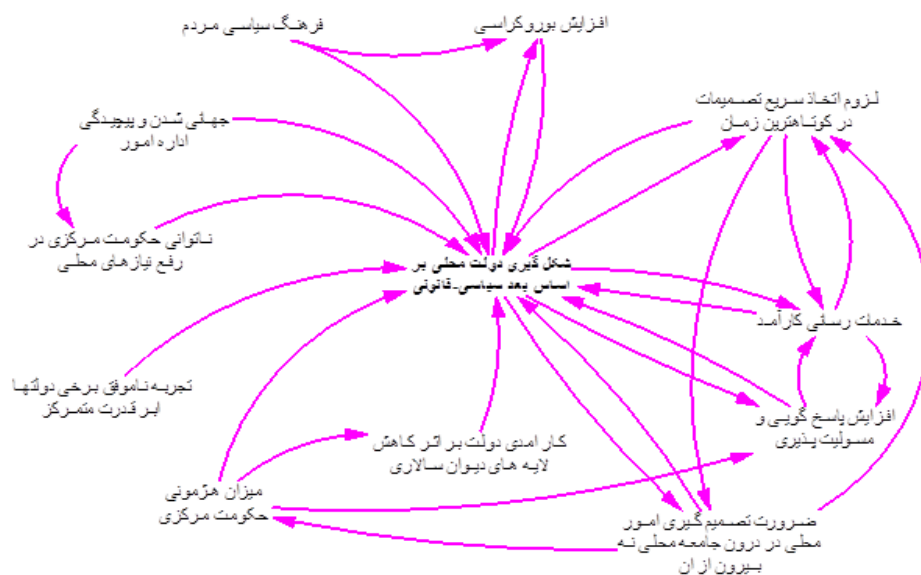


شکل ۳. زیرسیستم جغرافیایی

۴-۱-۵- زیرسیستم سیاسی - قانونی

در جامعه‌ای که سازمان سیاسی به صورت استبدادی و خودکامه اداره می‌شود، رشد و حیات نهادهای محلی خودگردان، ممکن است به طور کامل متوقف شود؛ و از سوی دیگر یک سازمان سیاسی دموکراتیک، نهادهای خودگردان را تقویت نموده و روحیه مشارکت را در افراد توسعه می‌دهد (Moghipi, ۲۰۱۱: ۱۱۷). دولت محلی مینیاتوری از هیئت سیاسی و شخصیت حقوقی حکومت مرکزی است؛ جایگاه دولت‌های محلی به عنوان واحدهای خودگردان، در چارچوب قانون مشخص شده، به طوری که خودگردانی به عنوان حق ذاتی دولت محلی دیده شده است (Moghipi, ۲۰۱۱: ۱۱۳). به طور کلی می‌توان گفت دولت‌های محلی می‌توانند نقش حیاتی در تشکیل و توسعه سیاسی داشته باشند (Governance & etal, ۲۰۰۷, ۲۳). از جمله عوامل حیاتی که در شکل‌گیری زیرسیستم سیاسی - قانونی جهت دولت محلی مؤثرند و در پژوهش‌های مختلف از آن‌ها به عنوان عوامل تأثیرگذار یاد شده، می‌توان به کاهش میزان هژمونی حکومت مرکزی - لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاه‌ترین زمان - تأخیر در انجام امور ملی و محلی - ضرورت تصمیم‌گیری امور محلی در درون جامعه محلی نه بیرون از آن - ناتوانی دولت در پاسخگویی به نیازهای مردم - تجربه ناموفق دولت‌های ابرقدرت متمرکز - جهانی‌شدن و پیچیدگی امور - خدمات‌رسانی کارآمد - افزایش بروکراسی - کارآمدی دولت بر اثر کاهش لایه‌های دیوان‌سالاری و دولت‌های کوچک - افزایش پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری در پی فرایندهای تصمیم‌سازی فرهنگ سیاسی مردم اشاره کرد. به عنوان نمونه در بحث فرهنگ سیاسی مردم می‌توان این‌طور بیان کرد که فرهنگ سیاسی از مطالعه مردم شناختی ارزش‌های پایه، نمادها و باورهای که در جامعه تثبیت شده به دست می‌آید و به مردم بینشی می‌دهد که به وسیله آن در خصوص مسائل روزمره‌شان در مقیاس بزرگ و کوچک قضاوت می‌کنند. این بینش آمیزه‌ای از شناخت‌ها، طرز تلقی‌ها، داوری‌ها، ارزش‌ها و آگاهی‌های سیاسی یک ملت است که در بستر تاریخ شکل گرفته و در رفتار سیاسی مردم نمود می‌یابد. از این دیدگاه، پراکندگی یا تمرکز قدرت سیاسی و ظهور یا فقدان گرایش‌های محلی‌گرایی و دولت محلی در یک کشور را باید در پهنه ساختار فرهنگی - تاریخی خاص آن کشور جست‌وجو کرد. در حقیقت فرهنگ سیاسی

یکی از ریشه‌ها و سرچشمه‌های اصلی در توفیق یا آسیب دولت محلی است (Veisi, ۲۰۱۳: ۱۳۹). همچنین در مورد مؤلفه توزیع خدمات و امکانات کارآمد می‌توان بیان کرد: بدون شک عدم توزیع مناسب امکانات و فرصت‌ها در هر جامعه‌ای می‌تواند به منازعه بیانجامد؛ چراکه باعث شکل‌گیری حس تبعیض در افراد و گروه‌های مختلف مخصوصاً گروه‌های قومی و مذهبی می‌شود. این امر اهمیت فزاینده‌ای نقش دولت محلی را آشکار می‌سازد. بدون دولت محلی مشروع خدمات نمی‌تواند به صورت متناسب و منصفانه توزیع گردد (Karimi & Hafeznia, ۲۰۱۷: ۱۲) نابرابری در توزیع فرصت‌های می‌تواند موجب عدم تعادل منطقه‌ای شده و این عدم تعادل بر تمامی روابط انسانی تأثیرگذار بوده و موجب شکل‌گیری منابع تهدید می‌شود (Pour Taheri & etal, ۲۰۱۱: ۲۶). توزیع متناسب امکانات علاوه بر اینکه مشروعیت دولت محلی را افزایش می‌دهد باعث رفع حس تبعیض مخصوصاً در جوامع متنوع از لحاظ قومی و مذهبی می‌شود و می‌تواند صلح را ارتقاء دهد (Karimi & Hafeznia, ۲۰۱۷: ۱۳). افزایش قدرت نهادهای محلی در تصمیم‌گیری و ارائه خدمات به صورت بهینه به منظور افزایش نقش مردم در تصمیم‌گیری و مشارکت در امور محلی باعث شکوفایی و به فعلیت رسیدن امکانات و توان‌های محلی و کاهش شکاف توسعه بین مناطق و کاهش هزینه‌ها در ارائه خدمات می‌باشد و در نهایت رضایت ساکنان محلی را به همراه دارد. مجموع این عوامل باعث افزایش سطح توسعه در بخش‌های مختلف و ایجاد یک توسعه متوازن و درون‌زا در سطح ناحیه خواهد شد (Ahmadipour & etal, ۲۰۱۳: ۶۹). با توجه به عوامل حیاتی ذکر شده، شکل‌گیری زیرسیستم سیاسی - قانونی در جهت دولت محلی به صورت زیر خواهد بود (شکل ۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود. عاملی مثل ضرورت تصمیم‌گیری در درون جامعه محلی لزوم خدمات‌رسانی کارآمد و همچنین لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاهترین زمان (شکل ۴). با توجه به عوامل حیاتی ذکر شده، شکل‌گیری زیرسیستم سیاسی - قانونی در جهت دولت محلی به صورت زیر خواهد بود (شکل ۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود. عاملی مثل ضرورت تصمیم‌گیری در درون جامعه محلی لزوم خدمات‌رسانی کارآمد و همچنین لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاهترین زمان (شکل ۴). با توجه به عوامل حیاتی ذکر شده، شکل‌گیری زیرسیستم سیاسی - قانونی در جهت دولت محلی به صورت زیر خواهد بود (شکل ۴). همان‌طور که مشاهده می‌شود. عاملی مثل ضرورت تصمیم‌گیری در درون جامعه محلی لزوم خدمات‌رسانی کارآمد و همچنین لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاهترین زمان (شکل ۴).



شکل ۴. زیرسیستم سیاسی - قانونی

همان‌طور که در (شکل ۵) نشان داده شده است. می‌توان گفت که عوامل هر بعد علاوه بر اینکه در درون هر بعد می‌توانند بر روی هم تأثیر بگذارند و از هم تأثیر بپذیرند این عوامل باهم نیز ارتباط متقابل و سیستمی دارند طوری که عوامل هر بعد با عوامل سایر ابعاد دارای ارتباط متقابل و دوسویه می‌باشد به‌طور مثال وسعت زیاد کشور در بعد جغرافیایی باعث تنوع قومی و زبانی در بعد اجتماعی - فرهنگی می‌شود که تنوع قومی زبانی خود عاملی هست که به‌طور مستقیم در شکل‌گیری دولت محلی تأثیرگذار است. یا عامل کاهش قیومیت حکومت مرکزی بر اقتصاد مالی در بعد اقتصادی - مالی باعث افزایش مشارکت مردم و احیای قابلیت‌های محلی در بعد اجتماعی - فرهنگی می‌شود؛ که عامل مشارکت مردمی خود باعث تصمیم‌گیری سریع‌تر و در کوتاه‌ترین زمان در بعد سیاسی - قانونی می‌شود که لزوم اتخاذ سریع تصمیمات بحث کاهش قبضه دولت مرکزی در بعد اقتصادی - مالی را پیش می‌کشد هم‌چنین عامل فاصله سکونتگاه‌ها از یکدیگر در بعد جغرافیایی لزوم خدمات‌رسانی به‌موقع و سریع را در بعد سیاسی - قانونی می‌طلبد که این خود نیازمند وجود یک سیستم غیرمتمرکز می‌باشد و لزوم شکل‌گیری دولت محلی را الزامی می‌کند. پس همان‌طور که در (شکل ۵) نشان داده شده است هر چهار زیرسیستم به نحوی با یکدیگر در ارتباط بوده و به‌صورت دو یا حتی چند طرفه در حال تقویت یکدیگر می‌باشند و در نهایت سیستم اصلی جهت شکل‌گیری موفق دولت محلی را شکل می‌دهند؛ طبق نتایج حاصله از زیرسیستم سیاسی - قانونی و اجتماعی - فرهنگی ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و به‌صورت چند طرفه یکدیگر و در نهایت سیستم نهایی را تقویت می‌کنند؛ و هم‌چنین برای سایر زیرسیستم‌ها نیز این موضوع صادق است. البته باید ذکر کرد که این شرایط در موقعیت ایدئال در قبال شکل‌گیری دولت محلی رخ خواهد داد (شکل ۵).

۶- نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد ضرورت شکل‌گیری تفکر سیستمی در شکل‌گیری دولت محلی مانند دکتر مقیمی (۱۳۹۰) که به لزوم بکارگیری تفکر سیستمی در مسائل مدیریتی هم‌چنین مدیریت دولت محلی تأکید و برای شناخت و تحلیل موضوعات مدیریتی، به‌ویژه مدیریت دولت‌های محلی «نگرش سیستمی» بهترین و کارآمدترین رویکرد می‌دانند. هم‌چنین پور موسوی و همکارانش (۱۳۸۷) پیشنهاد می‌کنند که برای استفاده بهتر از تنوع فرهنگی توسعه و پیشرفت متوازن همه نقاط کشور و حداکثر استفاده از توان‌های انسانی می‌توان به سازمان‌دهی مجدد فضای سیاسی با نگرش سیستمی به‌عنوان یک راهکار توجه کرد. در تحقیقات ذکر شده و مشابه اهمیت تفکر سیستمی در دولت محلی ذکر شده است که در پژوهش حاضر به‌صورت عملیاتی به آن پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ابعاد یادشده نباید به‌صورت منفک و مجزا از یکدیگر در نظر گرفته شوند بلکه به این ابعاد باید با دیدی سیستمی نگریست تا بتوان نه‌تنها روابط بین آن‌ها بلکه تأثیر و تأثری که هرکدام از این ابعاد بر روی یکدیگر و بر سیستم کلی دولت محلی دارند را در نظر گرفت هم‌چنین هرکدام از ابعاد یادشده به‌صورت یک سیستم عمل می‌کنند. در این پژوهش سعی شده تا به چهار بعد اصلی شکل‌گیری دولت محلی (اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی - مالی، جغرافیایی، سیاسی - قانونی) با دیدی سیستمی نگریسته شود و سیستم کلی دولت محلی با کمک نرم‌افزار

ونسیم^۹ طراحی شود. همان‌طور که در سیستم کلی مشاهده می‌شود برخی از عوامل نسبت به سایر عوامل دارای ورودی و خروجی‌های بیشتری هستند، بدین معنی که این عوامل نه تنها تأثیر بیشتری بر عوامل دیگر می‌گذارند بلکه از سایر عوامل نیز تأثیر می‌پذیرند، این عوامل بحرانی سیستم به شمار می‌آیند. این عوامل نه تنها در زیرسیستم خود نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر عوامل را بازی می‌کنند بلکه در سیستم نهایی نیز تأثیر بیشتری بر زیرسیستم‌های دیگر و سیستم نهایی دولت محلی دارند؛ از جمله این عوامل حیاتی می‌توان به تنوع قومی-زبانی، افزایش ظرفیت مشارکت مردم و توسعه از پایین با احیای قابلیت‌های محلی، خدمات‌رسانی کارآمد، لزوم اتخاذ سریع تصمیمات در کوتاه‌ترین زمان، لزوم تهیه طرح‌های توسعه منطقه‌ای مطابق با استعدادها و نیازها آن منطقه، وسعت زیاد، هژمونی حکومت مرکزی بر اقتصاد مالی و ... اشاره کرد که برای دولت محلی باید به آن‌ها نسبت به سایر عوامل توجه بیشتری نشان داد.

قدردانی: این مقاله برگرفته از پایان‌نامه تحصیلی کارشناسی ارشد با عنوان «ارزیابی عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری دولت محلی با نگرش سیستمی (مطالعه موردی: کشور ایران)» می‌باشد که در رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی تدوین شده است. نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه فردوسی در این زمینه قدردانی نمایند.

منابع:

۱. Andalib, A.R. & Sabetghadam, S.M. (۲۰۰۹). The role of lasting incomes of urban development in the spatial-skeletal planning. *The Journal of City Identity*, 5.
۲. Azami, H. & Dabiri, A. (۲۰۱۱). Analysis of the political division of space in Iran. *Journal of Geopolitics*, ۲, ۱۴۷-۱۸۱.
۳. Buchani, M. H, Sarafi, M, Tawaklinia, J, Dashti, A (۲۰۱۷), Structural analysis of national governance and local management in the Constitution of the Islamic Republic of Iran in the light of the urban meritocracy approach, *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Sciences Humanity*, Volume ۹, Number ۲, pp. ۲۱۱-۲۳۶.
۴. Balle, M. (۱۹۹۴), *Managing with Systems Thinking*, McGraw-Hill, London
۱. Bilgiç, Veysel K, ۱۹۹۸, *Merkezi Yönetim Yerel Yönetim Üzerine Teoriler*, Çağdaş Yerel Yönetimler Dergisi C.۷.

^۹: Vensim

۶. Checkland, P. B. (۱۹۹۹), *System Thinking, System Practice*, John Wiley and Sons, Chichester, England.
۷. Elhoirdizadeh, R, Valiqlizadeh, A, Saneyi, M (۲۰۱۵), Pathology of the relationship between the city council and the political system in Iran (explaining the principles of administrative decentralization in local government), *Geography and Urban-Regional Research Journal*, no. ۱۴, pp. ۲۵-۴۶.
۸. Etaat, J. & Moosavi, Z. (۲۰۱۱). Decentralization and sustainability in Iran. Entekhab Publication.
۹. Ghalibaf, M. B. & Shooshtari, M. J. (۲۰۱۳). The effect of political culture on the participation of people in local governments: A case study of Tehran. *Human Geography Studies*, ۴۵ (۲).
۱۰. Ghalibaf, M.B. (۲۰۰۱). The analytic investigation of the development trend of local institutions in Iran in the contemporary era and presenting an appropriate model. Unpublished Doctoral Dissertation, Tarbiyat Modarres University, Iran.
۱۱. Ghobadi, N. (۲۰۱۲). The challenges of financing of local governments and the solutions to confront them: A case study of local governments in Iran. *The Economy Journal- The Bimonthly Journal of Investigating the Economic Issues and Policies*, 11-12, ۵۳-۸۲.
۱۲. Flett, P. (۲۰۰۱), "The role of Quality in the Management of Projects", PhD thesis, University of Stirling.
۱۳. Governance, October ۲۰۰۷, Volume ۲۰, Issue ۴, Wiley United Kingdom
۱۴. Griffith, a.g, ۱۹۶۶, central departments and local authorities, London, allen and unwin.
۱۵. Hafeznia, M. R. & Ghalibaf, M. B. (۲۰۰۱). The strategy of spatial distribution of political power in the country through the development of local institutions. *Journal of Geographical Research* (No. ۵۰۹).
۱۶. Hafeznia, M. R. & Kavianirad, M. (۲۰۰۹). *New Horizons in Geopolitics*. SAMT Publication.
۱۷. Hafeznia, M. R. Ahadipoor, Z. & Ghaderihajat, M. (۲۰۱۲). *Politics and Space*. Amirkabir Institute of Research.
۱۸. Hafeznia, M. R. Parsaei, E. & Hossein Purpourian, R. (۲۰۱۱). A comparative analysis of the effects of local institutions on citizen participation before and after Islamic revolution: A case study of trade unions and dispute resolution councils. *Journal of Human Geography*, ۷, ۱۴۵-۱۶۴.
۱۹. Hafeznia, M. R. Zoghi barani, K. & Ahadipoor, Z. (۲۰۰۹). Analysis of the effects of the dual model of political management of space on the functions of free areas: A case study of Kish. *Journal of Planning and Space Preparation*, ۱۵ (۲).

۱۸. International Council on Human Rights Policy, *Local Government and Human Rights: Doing Good Service* ۱۹-۲۱ (۲۰۰۵), [hereinafter *Doing Good, Service*], available at http://www.ichrp.org/files/reports/۱۱/۱۲۴_report.pdf.
۱۹. Jovanmardi, N, Izadi, J, Jalali, R (۲۰۱۸), planning and policy development of the tourism industry based on the role of the pillars of efficient local government in Iran, specialized scientific quarterly of tourism research and sustainable development, first year, Number ۳.
۲۰. Karimi, M, HafezNia, M. R (۲۰۱۸), explaining the role of local government in peace building, Geopolitics Quarterly, ۱۴th year, ۳rd issue, pp. ۱-۳۰.
۲۱. Khoob roy pak, M.R, decentralization and Self- managing, Tehran Cheshmeh Publication
۲۲. Mirheydar, D. & Zaki, Gh. (۲۰۰۲). The analysis of geopolitical system of Iran through developing local institutions. *Geographical studies*, ۴۲, ۴۹-۶۴.
۲۳. Moallemi, M. (۲۰۱۰). Decentralization and failure in providing public and local products by local governments: Based on the strategy of play theory. *Journal of Economic research*, ۹۱, ۲۱۹.
۲۴. Moghimi, S. M. (۲۰۱۱). The management of the affairs of local governments and the management of councils and municipals. SAMT Publication.
۲۵. Mokhtari, Gh. (۲۰۰۹). An introduction to systemic thinking. www.behsad.com
۲۶. Moshiri Asl, Sh, Albo Naimi, I (۲۰۱۷), Investigating the impact of local management on social development: a case study of the residents of District ۷, District ۷ of Tehran Municipality, *Quarterly Journal of Urban Management Studies*, ۹th year, number ۳۱.
۲۷. Naderi khorshidi, A, Faqih, H, Askari Azad, M (۲۰۱۲), optimal local management in the horizon of ۱۴۰۴, *Strategy Quarterly*, ۳۱st year, number ۶۵, pp. ۳۷۱-۳۹۱.
۲۸. Poormoosavi, S.M. Mirzadeh Koohshahi, M. & Rahnemaghareh, Kh. (۲۰۰۸). The political organization of space and cultural functional areas in Iran. *Journal of geopolitics*, ۴ (۳), ۷۵-۱۰۱.
۲۹. Rajabieh, M. H. (۲۰۰۸). Local government in England. Unpublished M.A thesis, Shahid Beheshti Universtiy, Iran.
۳۰. Sabeghi, M.R (۲۰۱۴), The Role of Local Governments (Local Management) in the Political Management of Space, Master's Thesis, Islamic Azad University, Department of Political Geography, Faculty of Literature and Humanities, Department of Geography.
۳۱. Senge, P.M. (۱۹۹۰), *The Fifth Discipline, The art and practice of the learning organization*. First ed, Doubleday, USA.

۳۲. Steytler, Republic of South Africa, April ۱۱, ۲۰۰۶, The place and role of local government in federal systems, Konrad-Adenauer-Stiftung.
۳۳. Sameti, M. Ranani, M. & Moalemi, M. (۲۰۰۷). Decentralization and the benefits of forming local governments based on enhanced efficiency. Journal of Economic Research, ۷۸, ۱۲۱-۱۵۳.
۳۴. Soleimani, M, HafezNia, M. R, Ghorchi, M, Mohammadian, H (۲۰۱۵), Explaining the relationship between urban infrastructure and the globalization of the local government of Kalanshari, Journal of Political Geography, first year, second issue.
۳۵. systemic thinking, (۲۰۰۸). ۳, (۱۲-۱۳).
۳۶. Taheri, A. (۱۹۹۴). The management of affairs of local institutions: Management major. Payam-e-Noor University.
۳۷. Taheri, A. (۱۹۹۶). Local Governments and decentralization, Ghoomes Publication
۳۸. Taheri, A. (۱۹۹۸). The management of affairs of Municipalities,, Ghoomes Publication
۳۹. Veisi, H (۲۰۱۰), Pathology of local government: a case study of Islamic councils in big cities of Iran, PhD thesis in Political Geography, Tarbiat Modares University.
۴۰. Veisi, H (۲۰۱۳), Examining local government models and their adaptation to Iranian cities, Geography and Development Magazine, No. ۳۳, pp. ۱۳۹-۱۵۸.
۴۱. Veisi, H (۲۰۱۵), evaluating the performance of the local urban government in the centralized political system: a case study; Islamic Councils of Iranian Cities, Journal of Geography and Urban-Regional Planning, No. ۱۶, pp. ۵۵-۷۴.
۴۲. Veisi, H. (۲۰۱۳). An introduction to local government. SAMT Publication.
۴۳. Zarai, M.H, Rezaizadeh, M (۲۰۱۱), Local government in federal and integrated countries, Legal Research Journal, pp. ۲۸۱-۳۰۹.
۳. Wolman, Robert McManmon, Michael Bell, David Brunori, June ۲۰۰۸, Comparing Local Government Autonomy Across States, Proceedings of the Annual Conference on Taxation.

A systems analysis and modeling of the factors influencing local government formation

Narges Hajipanah, PhD Student in Political Geography, Department of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad

Seyyed Hadi Zarghani, Associate Professor in Political Geography, Department of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad

Omid Ali Kharazmi, Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Department of Geography, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad

Abstract:

In recent years, local governance has become an undeniable reality worldwide. Various studies have identified four primary dimensions of local governance: socio-cultural, economic-financial, geographic, and political-legal. Researchers have emphasized the application of systems thinking as the most effective approach in local governance. Systems analysis is a comprehensive and dynamic approach to examining complex phenomena. By employing this approach, one can identify and analyze the intricate interrelationships between various elements of a system. In the realm of local governance, systems analysis can facilitate a deeper understanding of the factors influencing the formation and functioning of local governments. This research investigates the four key factors influencing the formation of local governance using a systems thinking approach to examine the impact of each factor on the formation of local governance and the causal relationships between these factors. The Vensim software was used for modeling and causal relationships. The findings of this study underscore the interconnectedness of the socio-cultural, economic-financial, geographic, and political-legal dimensions of local governance. By employing a systems thinking approach and utilizing the Vensim software, this research demonstrates that a holistic understanding of these interconnected factors is essential for the successful formation and functioning of local governments.